

(بررسی، مقایسه و سعی در تصحیح ترجمه‌های قرآن در زبان روسی: ترجمه کراچکوفسکی، عثمانف و پوراخووا)

علیرضا ولی پور

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

چکیده

قرآن کتاب راهنمای هدایت و تربیت انسان است، این آخرین پیام الهی برای بشریت، تا کنون به بیش از ۱۴۰ زبان مختلف جهان ترجمه شده که زبان‌های اروپایی، در تعداد و کثرت ترجمه‌ها بر اغلب زبان‌های دیگر دنیا برتری دارند. ۱۲۰ نوع ترجمه انگلیسی، حدود ۵۰ ترجمه فرانسوی، و ۱۰ ترجمه به زبان روسی، بیانگر گوشه‌ای از این حقیقت است. بدون تردید ترجمه‌ای کامل از قرآن مجید با توقع انعکاس همه دقایق و عمق مفاهیم آن ممکن نیست. سعی ما در این مقاله مقایسه و تطبیق ترجمه‌های معاصر قرآن در زبان روسی، با متن اصلی قرآن و نیز با ترجمه‌های متفاوت بوده است. امید است این مقاله کمکی باشد برای تأیید ادعای حق و رد ادعای ناحق مترجمان قرآن در مورد چگونگی و کیفیت ترجمه‌های قرآن در زبان روسی.

واژه‌های کلیدی

قرآن، زبان روسی، مقایسه، مترجمان قرآن، متون اسلامی

مقدمه

قرآن سند نبوت و معجزه جاوید پیامبر اسلام است. مسلمانان موظف به خواندن آن به زبان عربی شده‌اند. از زمان روی‌آوری غیر عرب‌ها به دین اسلام، موضوع ترجمه قرآن و میزان ترجمه‌پذیری آن چهره نمایانده است، گفته‌اند نخستین بار سلمان فارسی از رسول خدا (ص) درخواست صدور جواز ترجمه قرآن را به زبان فارسی نموده است.

از دانشمندان اسلامی کسی را سراغ نداریم که ، شده باشد. اعتقاد به عدم جواز ترجمه قرآن، در عصر متأخرین پدید آمد، یعنی در قرن گذشته، در ترکیه عثمانی و توابع آن مانند سوریه و مصر، و شاید این ممنوعیت یک اندیشه استعماری و تبشیری باشد که خواسته‌اند اسلام را بدین‌وسیله محاصره کنند و از گسترش تعلیمات روح بخش آن در مناطق غیر عربی جلوگیری نمایند. (معرفت ۱۳۷۶، ص ۷) پس می‌بینیم، که با درنظر گرفتن حجیت ظواهر قرآن و عمومی بودن استفاده صحیح و

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی (بررسی، مقایسه و تصحیح ترجمه‌های جزء ۳۰ قرآن مجید در زبان روسی: ترجمه‌های کراچکوفسکی، عثمانف و پوراخووا) به شماره ۳۶۳/۳/۸۸۴ است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در دست انجام است.

اصولي از ظواهر الفاظ آن، مسئله ترجمه قرآن پيش مي آيد که مهمترين و درعين حال ضروري ترين مسئله اي است که بايد امروزه از نظر علمي و فني مطرح و از نظر عملي نيز اقدامي قاطع و اساسي براي انجام آن بايسته است، تا خلأ و کمبودي که در اين مورد وجود دارد، برطرف شود. همه بايد قرآن را بفهمند تا بتوانند از آن الهام و رهنمود بگيرند، بلکه اين چراغ فروزان را به دست گرفته و در مسير سعادت و هدايت پيش بروند. ترديدي نيست که همگاني بودن قرآن، ترجمه آن را اقتضا مي کند و بايد اين کتاب آسماني به تمام زبانهاي زنده دنيا ترجمه گردد، تا همه مردم حتي آناني که با زبان قرآن آشنا نيستند، بتوانند از حقايق عالي و همگاني آن برخوردار شوند. (نجمي، هريسي ۱۳۶۱، ص ۲۷)

ترجمه هاي کهن قرآن در اکثر زبانها و من جمله در زبان روسي، هر چند از نظر قالب و ساختار کلام تحت اللفظي اند، اما بيشتر آنها دقت و استحکام نسبي زمان خود را دارا بوده اند. البته ساختار کلام تحت اللفظي بدان علت خوب است که با چنين روشي، دخل و تصرف و يا حذف و افزوده اي در ترجمه قرآن صورت نمي گيرد، نيز مي توان لغزشها را کنترل کرد، ولي نقصان چنين روشي آن است که چنين ترجمه هاي نمي تواند آن گونه که بايد و شايد مورد استفاده همگان قرار گيرد؛ زيرا ارتباط جمله ها و آغاز و انجام آنها، به ويژه در آيات طولاني و پيچيده به وضوح مشخص نيست و خواننده به آساني به معنای آن دست نمي يابد، در اين حالت، تنها اهل فن مي توانند مفهوم آيه را از ترجمه تحت اللفظي دريابند، اما براي مردم عادي، ترجمه هاي تحت اللفظي عملاً غير قابل استفاده باقي مي مانند.

قرآن کتاب هدايت و تربيت است و مي توان از آيه آن نکته برگرفت و پند آموخت و در اين راه، حتي براي عبرت اندوزي و پيمودن راه درست، از آفرينش، نحوه زندگي، خصوصيات، احکام و منافع حيوانات سخن گفته است که بي گمان سعي يك مترجم فرهيخته و متعهد بايد آن باشد، تا با تلاش و دقت کامل، دستيابي به درست ترين و شيوه ترين ترجمه را براي شيفتگان آموزه هاي قرآني و معارف اسلامي فراهم سازد. هدف از انجام اين تحقيق اين نيست که ارزيابي جامعي از ترجمه هاي جزء سي قرآن در زبان روسي ارائه شود، بلکه اشکالات احتمالي شناسايي و برطرف شود و راه براي ارزيابي ترجمه ديگر اجزاء هموار شود. هدف نهايي از اين تحقيق، سعي در ارائه ترجمه اي گويا و به دور از تحريف از جزء سي قرآن به زبان روسي معاصر است.

بحث و بررسي

کار بررسي ترجمه هاي قرآن به زبان روسي را از مدتي قبل در درس بررسي ترجمه هاي متون اسلامي آغاز گرديد، يادآوري مي شوم، پيش از اين اقدام، بررسي ترجمه هاي قرآن به زبان روسي صورت نمي گرفت، اما به هر حال اين کار شروع شد و مورد علاقه و استقبال دانشجويان نيز واقع شد، و نتايج مثبتي به دنبال داشت و زمينه اي مفيد و کاربردي براي فعاليتي پژوهشي را نيز پديد آورد.

در بررسي ترجمه هاي قرآن به زبان روسي، ما با استفاده از متن عربي قرآن متون فارسي و روسي را با يکديگر مقابله کرده ايم. و در برخي موارد نيز از شرح و تفسير قرآن به زبانهاي فارسي و روسي بهره گرفته ايم. همچنين برخي مقالات مندرج در فصلنامه

به این نکته اشاره می‌کنیم که بیشتر ترجمه‌های قدیمی و قبلی در زبان روسی، تا قبل از سابلوکف^۱، مورد وثوق نیستند، ضمن آن که چاپ جدیدی از آنها نیز در دسترس نیست. لازم به یادآوری است که در حین انجام کار معلوم شد، روش‌های سنتی پژوهشی، به کار رفته در آثاری همچون کتاب راهنمای *فهارس القرآن*، نوشته محمود رامیار، (رامیار، ۱۳۴۲) و یا کتاب *کشف المطالب القرآن*، نوشته سید هاشم رسولی محلاتی (رسولی محلاتی ۱۳۶۷) همه نیازهای آماری ما را تأمین نمی‌کنند، بخصوص که بسامد کلمات متن قرآن با بسامد معانی آنها در ترجمه همیشه برابر نیستند، از سوی دیگر نویسندگان لغت‌نامه‌های قرآنی کلمات هم‌ریشه را در یک فهرست قرار می‌دهند، در صورتی که مترجمان قرآن در زبان روسی در بسیاری موارد، از کلمات هم‌ریشه استفاده نکرده‌اند و مترادف‌هایی به سلیقه خود درج نموده‌اند. اما، برای ما، به غیر از صحیح بودن ترجمه، روان و قابل فهم بودن آن نیز دارای اهمیت بوده است. بنابر این سعی نمودیم بسامد کلمات مورد استفاده شده در ترجمه‌ها را توسط برنامه نرم افزاری ضمیمه word شمارش نموده، و در صورت امکان از کلمات پر بسامدتر استفاده نماییم. برای مثال کلمه *облагодетельствовал* که در ترجمه آیه ۷ از سوره توحید، به معنای نعمت دادی (انعمت) است، در زبان روسی معاصر به ندرت به کار می‌رود، و بسامد این کلمه در تمام ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی^۱ و عثمانف^۲ فقط یک‌بار است، در حالی که می‌شود به جای آن از عبارت ساده‌تر و رایج‌تر و در عین حال پر بسامدتر *оказал* استفاده کرد.

در ضمن، علی‌رغم این که سوره حمد در جزء سی نمی‌باشد، اما از آنجایی که این سوره، کلید ورود به قرآن است، این سوره را نیز در شروع کار مورد بررسی خود قرار دادیم. هم‌زمان با تدریس بررسی ترجمه‌های متون اسلامی در ترم‌های ۶ و ۷ دوره کارشناسی زبان روسی، ترجمه برخی سوره‌ها نیز در کنار ترجمه‌های متون اسلامی مورد توجه قرار گرفت، این توجه در دوره کارشناسی ارشد عمیق‌تر شد و این ترجمه‌ها از منظر سبک‌شناسی و زیباشناسی کلامی نیز مورد بررسی قرار گرفت. به تجربه بر نویسنده ثابت شده که اشکالات عدیده‌ای از ابعاد گوناگون در فرم و محتوای ترجمه‌های قرآن به زبان روسی وجود دارد، برخی از این اشتباهات شاید از نظر برخی صاحب نظران قابل اغماض باشند، مانند، اشتباه و یا نارسا معنا کردن اسامی سوره‌های قرآن، برای مثال، خانم پورخووا^۳ در ترجمه *فاتحه‌الکتاب* نوشته *открывающая* و سپس ذیل آن آورده است *аль фатиха* (پورخووا ۱۹۹۷)، (ص ۱۸)، به نظر می‌رسد، خانم پورخووا معنی این عبارت را درک نکرده باشد، زیرا کلمه *открывающая* واژه‌ای توصیفی است و وظیفه کلمات توصیفی، آشکار ساختن بیشتر موضوع است، این کلمه را از نظر دستوری در زبان روسی، می‌توان صفت و یا صفت فعلی

1- Саблуков

1- Крачковский

2- Османов

3- Порохова

دانست، ساخت زبان روسي طوري است که صفت فعلی به مرور زمان به صفت و اسم تبدیل می‌شود، پس امکان دارد که کلمه‌ای با یک شکل ظاهری از لحاظ صرفی، هم اسم باشد و هم صفت باشد و هم صفت فعلی.

اما سؤال اصلی در این است که آیا چنین کلماتی می‌توانند در یک زمان و در یک جمله، هر سه معنای دستوری را داشته باشند؟

پاسخ این است که خیر چنین چیزی امکان ندارد! زیرا تشابه ظاهری در صرف ابهام برانگیز است و نحو که آن را می‌توان علم روابط محتمل و منطقی کلمات دانست، نقش تعیین و تبیین کننده دستوری کلمات را در جمله ایفاء می‌کند، نیز نحو ما را عقلایی رهنمود می‌دهد تا یک معنی و یا مفهوم دستوری را برای یک واژه خاص به کار ببریم.

بنابر این سؤال مطرح می‌شود، که خانم پورخووا کدام نقش دستوری را برای کلمه открывающая متصور شده؟ اگر صفت برای وی متصور شده، این صفت توصیف‌کننده کدام اسم است؟ و اگر صفت فعلی توسط ایشان متصور شده، اسم یا فاعل مرجع آن کدام است و در کجاست؟ قاعدتاً وی این کلمه را بدون هیچ مرجعی فقط اسم می‌توانسته تلقی کرده باشد.

آقای عثمانف نیز اسم اولین سوره قرآن را открывающая ترجمه کرده ولی در داخل پرائنز نوشته است (Коран) (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۹) و سرانجام کراچکوفسکی نیم قرن قبل، اسم اولین سوره قرآن را открывающая книгу (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۵) ترجمه کرده است، که به نظر من ترجمه صحیح‌تر، ترجمه کراچکوفسکی است. اما چرا؟ باید گفت که کراچکوفسکی با انتخاب عبارت открывающая книгу قطعاً تصور نمی‌کرده که واژه открывающая اسم بوده، زیرا دو اسم پشت سر هم و بدون ارتباط منطقی نحوی بی‌معنا است. ضمناً открывающая از نظر کراچکوفسکی صفت نیز نمی‌توانسته متصور شده باشد، چون با اسم بعد از خود همخوانی ندارد، پس نتیجه می‌گیریم که وی کلمه открывающая را به‌عنوان صفت فعلی در این عبارت درج کرده است و آگاهانه اسم یا فاعل مرجع آن را برای زیبایی و اختصار کلام حذف نموده است، و به احتمال قریب به یقین، عبارت اولیه وی یکی از دو شق زیر بوده است:

- Та часть, которая открывает книгу.

- Сура, которая открывает книгу.

در واقع ترجمه کراچکوفسکی مبتنی بر تصور او بر سرآغازی این سوره است که گشاینده کتاب، یعنی همان فاتحه‌الکتاب، در صورتی که معانی عبارت پورخووا فقط ترجمه شده، بازکننده! عبارت عثمانف نیز گنگ و ناروشن است، نهادن واژه قرآن در پرائنز نیز نشانه ابهام برای خود اوست، زیرا پرائنز در ترجمه اگر چه نشانه صداقت مترجم است، اما نشانه عجز مترجم نیز می‌تواند باشد، البته برخی مترجمان، از پرائنز استفاده تفسیری می‌کنند، برای مثال الهی قمشه‌ای به ترجمه قرآن خود، الحاقاتی نیز افزوده، ولی او این کار را پس از ترجمه کامل متن انجام داده و با شرح و حاشیه خود به تفهیم موضوع کمک کرده است. (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۲)

در واقع ضعف و عجز هنگامی بروز می‌کند که مترجم در کاربری واژگان دچار تردید

می‌شود و یا این‌که در تشخیص روابط نحوی دچار ابهام می‌گردد، در چنین حالاتی است که او به پراتنز پناه می‌برد، و در واقع مترجم به نوعی، برای ابهام‌زدایی از خواننده کمک می‌گیرد، او برای رهایی از بن‌بست، انتخاب داخل و یا خارج پراتنز را به خواننده وا می‌گذارد، اما چه تضمینی وجود دارد، که خواننده پیام مناسب را انتخاب کند؟

در واقع مترجمی که از پراتنز زیاد استفاده می‌کند، مانند یک ماشین ترجمه عمل می‌کند، حتی در سامانه‌های بسیار پیشرفته ماشینی، علی‌رغم تلاش فراوان طراحان آن‌ها، به‌علت اشکال در الگوریتم‌های درک زاینده آن‌ها، در انتخاب لغت و درک نحوی جملات دچار اشکال می‌شوند، این نقص به مرور و به کندی در حال رفع و بهبود است و طبیعی است که به مرور تعداد پراتنرها نیز کمتر می‌شوند.

اکنون با شرح این موضوع و لحاظ معیار مهم، به ترجمه‌های انجام شده توسط ایگنایی کراچکوفسکی، نوری عثمانف، و والریا پوروخووا بنگریم:

در ترجمه کراچکوفسکی به پراتنز برنمی‌خوریم، اما در ترجمه عثمانف اولین کلمه با پراتنز شروع شده و در تمام سطور و پاراگراف‌ها ادامه می‌یابد، البته بسیاری از آن‌ها حالت توضیحی دارند، با این‌حال این پراتنرها به زیبایی متن ترجمه صدمه زده‌اند. پوروخووا در مقایسه با عثمانف، از پراتنز کمتر استفاده کرده است، اما این مطلب حسنی برای کار وی محسوب نمی‌شود و به نظر من وی می‌بایست به مراتب بیش‌تر از عثمانف از پراتنز استفاده می‌کرد، زیرا نا‌آشنایی وی به زبان عربی، استفاده او از ترجمه‌های انگلیسی قرآن و پافشاری به دور از منطق علمی وی در دگرگون‌سازی واژگان مفاهیمی کراچکوفسکی، با مستمسک ترجمه نوین! (ادعای او در مقدمه بر متن ترجمه) و در نتیجه قربانی کردن محتوی قرآن، به خاطر نگارش آهنگین و شعر گونه، یادآور همان حکایتی است، که برای آرایش ابرو، چشم او را کور کرد!

پوروخووا همه قسم‌های قرآن را **نشانه** ترجمه کرده است، عجیب آنکه برای وی هیچ جای سؤال و تردید ایجاد نکرده، که به نشانه زمان یا صبح و شب یعنی چه؟! برای مثال در ترجمه سوره عصر، و اولین آیه آن که سوگند به عصر است، پوروخووا ترجمه کرده است B знак времени یعنی به نشانه زمان!!

(پوروخووا ۱۹۹۷، ص ۶۵۸) در صورتی‌که کراچکوفسکی سوگند به عصر Клянусь предвечерним временем (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۹۵)، و عثمانف نیز اولین آیه از سوره عصر را، سوگند به عصر ترجمه کرده است. (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۹۶)

پوروخووا به‌خاطر همان نگارش آهنگین و شعر گونه، ارتباط معنایی و نحوی بسیاری از آیات قرآن را به‌هم ریخته و از بین برده است، برای مثال در آیات ۲ و ۳ از سوره حمد، به‌علت از بین بردن رابطه نحوی این دو آیه با آیه اول، ارتباط معنایی از هم گسسته شده، و حتی از حد ترجمه بد هم گذشته و به تحریف نزدیک شده، آیاتی که کراچکوفسکی آن‌ها را درست و روان ترجمه کرده و عثمانف نیز از کراچکوفسکی تبعیت کرده است.

ترجمه کراچکوفسکی: (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۵)

3(4). царю в день суда!

ترجمة عثمانف: (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۹)

1-Хвала - Аллаху, Господу (обитателей) миров,

2-милостивому, милосердному,

3- властителю дня суда!

ترجمة پوروخووا: (پوروخووا ۱۹۹۷، ص ۱۸)

1-Хвала - Аллаху, Господу миров,

2- всемилостив, милосерден,

3- дня судного один он властелин

همانطور که ملاحظه مي‌شود در ترجمه پوروخووا حمد (Хвала) به آیات ۲ و ۳ مرتبط نمي‌شود!

در ترجمه کراچکوفسکي و عثمانف حمد و ثنا بر الرحمن و الرحيم و مالک يوم الدين نیز ادامه یافته، اما در ترجمه پوروخووا، حمد را فقط براي آية اول ذکر کرده است!!

اشتباه در ترجمه کلمه رب، که به درستي به فارسي پروردگار ترجمه مي‌شود. مترجمان روسي مورد نظر در اين مقاله، آن را Господ به معنای آقا یا سرور ترجمه کرده‌اند، که به نظر مي‌رسد اين خطاب، اقتباس از فرهنگ مسيحيان ارتدوکس است و در فرهنگ اسلامي رایج نبوده و نیست. در صورتي که مي‌بایست از کلمه воспитатель که اسم مشتق شده از مصدر воспитать به معنای تربیت کردن و به عمل آوردن، استفاده مي‌شد. (نگاه شود به ترجمه سورة حمد توسط کراچکوفسکي و عثمانف)

متأسفانه از قرائن امر و اعتراف مترجمان معلوم مي‌شود که مترجمان محترم، گاهي مفهوم آیات را به طور کافي درک نکرده‌اند و یا از ترجمه‌هاي زبان انگليسي و یا فرانسه به جاي استفاده از متن اصلي استفاده کرده‌اند و چه بسا از ترجمه‌اي ترجمه کرده‌اند که خود آن ترجمه غلط بوده است.

این‌گونه نواقص باعث شده گاهي ترجمه‌هاي غلطي، حتي در آیاتي که ترجمه آنها دشوار نیست، صورت گرفته باشد، با این شرط که مترجم معنای آن را فهمیده باشد، مثلاً در ترجمه کلمه صمد در سورة توحيد آن را به вечный يعني ابدی ترجمه کرده‌اند! اشتباهي را که کراچکوفسکي کرده، دیگران نیز که مدعي ترجمه برتر و تصحيح شده‌اند، مجدداً تکرار کرده‌اند. در صورتي که کلمه صمد در سورة توحيد به معنای بي‌نیاز است و مي‌بایست ненуждающийся ترجمه شود (نگاه شود به ترجمه این کلمه در سورة توحيد، ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکي و عثمانف)، (کراچکوفسکي ۱۹۹۱، ص ۴۹۸)، (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۹۸).

خانم پوروخووا که ترجمه‌اش موزون است، کلمه صمد در سورة توحيد را به вечный ترجمه کرده، زیرا به خاطر قافیه‌سازي، به ناگزیر از واژه هم‌خانواده извечен استفاده نموده

البته برخی از صاحب نظران بر این باورند که بخش عمده اشکالات موجود در ترجمه‌های قرآن، حاصل عدم تسلط و مهارت مترجمان کلام وحی در زبان مقصد است، و گرنه شاید بتوان با اندکی تسامح ادعا کرد که تقریباً همه مترجمان قرآن درک و برداشت مشابهی از مفاهیم آیات قرآنی داشته‌اند، لیکن به دلیل اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت آنان در زبان مقصد است که با ترجمه‌های مختلفی روبه‌روایم. به بیان دیگر، اختلاف‌های موجود در برگردان‌های گوناگون از قرآن، بیشتر ناشی از اختلاف مترجمان در نحوه تفهیم فحوای آیات در زبان مقصد است، تا فهم آنان از خود آیات. (صالحی، ۱۳۷۶)

البته نباید منکر اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت مترجمان قرآن در زبان روسی باشیم، اما یادآوری می‌شود، که اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت مقوله‌ای است، و غلط ترجمه کردن مقوله‌ای دیگر، مسئله‌ای که در ترجمه پوروخوو متأسفانه زیاد وجود دارد. از شگفتی‌های دیگر وجود برخی اغلاط به ظاهر سهوی است که متأسفانه در چاپ‌های بعدی نیز تصحیح نشده است، برای مثال در چاپ‌های مکرر ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی در آیه سوم سوره کافرون، آمده است:

и вы не поклоняйтесь тому,...

که معنای آیه کاملاً دگرگون شده، تا آنجا که به جای شما پرستش نمی‌کنید، آنچه را که من می‌پرستم، این‌گونه به ذهن متبادر می‌شود که، شما پرستش نکنید، آنچه را که من می‌پرستم!!! این تعجب وقتی بیشتر می‌شود که متأسفانه باز شاهدیم در آخرین چاپ از نسخه ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی، که شمارگانی هفتاد هزار مجلدی داشته، علی‌رغم برخی تصحیحات درج شده در مقدمه آن، معهداً در ترجمه آیه سوم سوره کافرون، دوباره آمده است:

и вы не поклоняйтесь тому , чему я буду поклоняться.

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۹۷)

فعل اول در این جمله امری است در صورتی که می‌بایست مضارع باشد و فعل دوم آینده است، در صورتی که آن هم می‌بایست مضارع باشد.

غیر از اشکالات در مفهوم لغات و انتخاب نادرست مفاهیم از لحاظ سبک درخور و مناسب متن، اشکال دیگری که بر این ترجمه‌ها وارد است، ضعف در حیطة صرف و نحو زبان عربی است که حکایت از بنیة علمی ضعیف ایشان در این مقوله مهم و کلیدی است. برای مثال در اکثر آیات، در ترجمه پر بسامد فعل ربطی **کان**، فقط بر اساس شکل ظاهری، این فعل ربطی گذشته معنا شده. در صورتی که ترجمه آن می‌بایست، **است** باشد و نه، **بود**. برای مثال در ترجمه آیه ۶ از سوره یوسف به جای کلمه **است**، واژه **بود** ترجمه شده است. (نگاه شود به ترجمه آیه ۶ از سوره یوسف توسط کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۸۵ و پوروخوو/ ۱۹۹۷، ص ۲۲۵).

نادرست‌تر از همه این موارد، برخی ترجمه‌هاست که مترجم مفهوم کلام را ندانسته و آن را تحریف کرده است. مثلاً در سوره یوسف (ع) هر جا که موضوع تلاش و قصد بر وسوسه کردن یوسف توسط زلیخا مطرح شده (مثل آیات ۲۶ و ۲۹) این مطلب از عمل غیر واقعی به

عملی واقعی ترجمه شده است و از آنجایی که این فعل روی نداده، در جملاتی که فعل *соблазнять* به معنای وسوسه کردن آمده، باید قبل از این فعل از فعل *пыталась* و یا *хотела* استفاده می‌شود، تا به جای تحقق فعل تلاش و یا کوشش برای تحقق آن، مفهوم شود. (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۸۶)

بنابراین به علت وجود مسائل مطروحه، نیاز به ارزیابی و بررسی و سرانجام تصحیح ترجمه‌های قرآن برای اهداف مختلف ضروری است.

برای تحقق این هدف، اقداماتی را در مرحله اول انجام شده که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف - تهیه ترجمه‌های چاپی قرآن که برخی از آن‌ها در دسترس ما قرار گرفتند، عبارت است از:

- ۱ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *سابلوکوف*، مسکو، ۱۹۳۰.
 - ۲ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *ایگناتی کراچکوفسکی*، مسکو، ۱۹۹۱.
 - ۳ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *پوروخووا*، تهران، ۱۹۹۷.
 - ۴ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *محمد نوری عثمانف*، مسکو، ۱۹۹۵.
- ب- توجه به مقالات و بحث‌های نظری درباره ترجمه‌های قرآن مجید به زبان روسی و همچنین توجه به چگونگی انجام ترجمه قرآن مجید به زبان‌های دیگر.
- این‌ها انگیزه‌هایی شدند تا افزون بر بررسی نقطه نظرات ارائه شده در مطبوعات داخلی، به جستجوی نقطه نظرات ارائه شده در مطبوعات خارجی با یاریگری از موتورهای جستجوگر اینترنت پرداخته شود، که روی هم رفته تعداد مقالات مورد بررسی در این زمینه بالغ بر ۵۰ عدد بوده است. عمده استفاده این مقاله از مطبوعات داخلی، به عنوان منبعی تخصصی و اطلاع‌رسانی در این زمینه، مجله تخصصی ترجمان وحی، نشریه مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی و مجله تحلیلی، پژوهشی گلستان قرآن، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

اولین ترجمه از قرآن به زبان روسی، که از متن قرآن کریم از زبان عربی بازگردانده شده، از *گوردی سابلوکف* (چاپ اول *قازان*، ۱۸۷۸) است، اما باید خاطر نشان کرد که قبل از وی مترجم توانمند دیگری به نام *دمیتری بوگوسلاوکی*^۱ تا سال ۱۸۷۱ نیز توانسته بود با استفاده از متن قرآن کریم از زبان عربی ترجمه‌ای نسبتاً روان از قرآن انجام دهد، اما این ترجمه به عللی، که بر ما روشن نیست هرگز چاپ نشد، و فقط نسخه دستنویس آن قابل دسترس برای معدودی پژوهشگر در روسیه بوده است، در ضمن به نظر می‌رسد که این ترجمه به منظور چاپ و عرضه به مسلمانان روسیه نبوده است و حاکمان وقت روسیه، برای اطلاع از مبانی اسلام به آن توجه داشته و آن را از دسترس مردم دور نگه می‌داشتند، این روند به عنوان سیاست حاکمان شوروی تشدید شد و حکومتی، که جز ماده چیز دیگری را به رسمیت نمی‌شناخت، کتاب‌های نویسندگان معتقد به روح، مانند *داستایفسکی*^۱ را مضر و ممنوع اعلام کرد، بدیهی است موضع ایشان در قبال اسلام و قرآن به مراتب شدیدتر بود.

1- Богославский

1- Достоевский

در واقع چاپ قرآن و در اختیار عموم قرار دادن آن در روسیه، هم در زمان تزاری و هم در دوران شوروی با موضع منفی دولت مواجه بوده است، اما ترجمه‌های قرآن به واسطه تحقیقات استراتژیک دولتی اهمیت داشت و مسئله ترویجی و تبلیغی جزء اهداف کارهای ترجمه قرآن نبوده است. حتی ترجمه نسبتاً خوب قرآن به زبان روسی توسط کراچکوفسکی، به منظور چاپ نبوده است، وی این کار را با همکاری آکادمیسین‌های دیگر شوروی برای شناخت از تاریخ اسلام انجام داده است. این کار که یک کار علمی در حوزه فعالیت‌های سفارش داده شده دولتی بود، امکان تحقق یافت و چون هدف از انجام این کار ترجمه قرآن برای چاپ آن نبود، تا مدت‌ها پس از مرگ کراچکوفسکی نیز چاپ نشد.

جالب این که هنوز پس از سپری شدن نیم قرن از مرگ وی و فروپاشی شوروی و به دست آمدن نسبی آزادی‌های دینی در روسیه، ترجمه دیگری نتوانسته برتری خود را بر آن ثابت نماید، ادعاهایی مانند، ادعای آقای عثمانف و یا خانم پوروخووا مبنی بر برتری ترجمه‌های آنان از ترجمه کراچکوفسکی محل بحث و بررسی دارد، سعی ما در انجام تحقیق و ارائه برخی مطالب آن در این مقاله، مقایسه و تطبیق هر کدام از این ترجمه‌ها با متن اصلی قرآن از یک سو و تطبیق هر یک از آنها با یکدیگر است، امید است که این تحقیق کمکی باشد برای تأیید ادعای حق و رد باطل. لازم به یادآوری است که پروفیسور عنایت اله رضا نیز ترجمه کراچکوفسکی را هنوز بهترین ترجمه در زبان روسی محسوب می‌نمایند. (رضا ۱۳۷۱، ص ۲۲۱)

نتیجه‌گیری

ترجمه قرآن توسط ایگنانی کراچکوفسکی بی‌شک با تلاش و کوشش زیادی همراه بوده است. اما در عین حال نمی‌توان گفت که این ترجمه خالی از نقص است. اگر توجه داشته باشیم که هیچ‌گونه ترجمه کامل و بدون نقصی، حتی در زبان فارسی، یا دیگر زبان‌های متداول در کشورهای اسلامی وجود ندارد، اشتباهات این ترجمه نیز قابل درک و هضم خواهد بود، به خصوص این نکته نباید فراموش شود، که وی این کار عظیم را در زمان اوج آرمان‌های کمونیستی و با محدودیت‌های مخصوص آن زمان انجام داد.

وقتی ترجمه‌های روسی قرآن کریم را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نمی‌توان به یکی از آنها به طور قطع به عنوان ترجمه صحیح اعتماد کرد. با این حال طبق بررسی‌های انجام شده، و به تصدیق صاحب نظران مختلف، ترجمه ایگنانی کراچکوفسکی اینک معروف‌ترین و گویا بهترین ترجمه قرآن به زبان روسی است.

منابع

- الهی قمشه ای، محی‌الدین مهدی، «ترجمه قرآن به زبان فارسی»، تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲.
- انصاری، محمدرضا، «نگرشی بر سیر ترجمه قرآن به زبان فارسی»، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۱، شهریور ۱۳۷۶، ۲۵-۳۸.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، «ترجمه قرآن کریم (همراه با توضیحات و واژه نامه)»، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۷۸.

- راميار، محمود، «فهارس القرآن»، قم: انتشارات ارشاد، ۱۳۴۲.
- رسولي محلاتي، سيد هاشم، «كشف المطالب القرآن»، تهران: انتشارات علمي اسلاميه، ۱۳۶۷.
- رضا، عنايت‌اله، «ايرانشناسي در روسيه و اتحاد شوروي»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
- صالحی، مجید، فهم یا تفهیمی فارسی نویسی در ترجمه کلام وحی، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۲، اسفند ۱۳۷۶، ۶۵-۷۵.
- معرفت، محمد هادی. بحثی درباره ترجمه قرآن مجید و امکان آن. ترجمان وحی، سال اول، شماره ۲، اسفند ۱۳۷۶، ۸-۲۲.
- معزی، محمد کاظم، «ترجمه قرآن به زبان فارسی»، تهران: انتشارات جهاد سازندگی، ۱۳۶۸.
- نجمی، محمد صادق؛ هریسی، هاشم، «شناخت قرآن»، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۱.
- Порохова В. **Коран**, Перевод смыслов и комментарии, Тегеран, 1997.
- Крачковский И.Ю. **Коран**, Пер. с араб. Москва, МНПП «Буква», 1991.
- Османов Н.О. **Коран**, Пер. с араб. и коммент, Москва, Ладомир, 1995